

تأثیر تمدن مهدوی بر تمدن انقلاب اسلامی

راحله امیرجان^۱، فاطمه سفیدابیان^۲

چکیده

تمدن نوین اسلامی و تمدن مهدوی دو مقوله مفهومی است که هر یک مختصات و ویژگی‌های خاص خود را از منظر متفکران این دو حوزه مفهومی دارد. پژوهش پیش‌رو با هدف کشف تأثیر تمدن مهدوی بر تمدن نوین انقلاب اسلامی بانام تأثیر تمدن مهدویت بر تمدن انقلاب اسلامی انجام شد. مسئله اصلی پژوهش حاضر چگونگی تأثیرگذاری تمدن مهدوی و اثرگیری تمدن انقلاب اسلامی از آن است که با روش تطبیقی و براساس مقایسه شعارها، شاخص‌ها و نسبت بین تمدن مهدوی و تمدن انقلاب اسلامی دیدگاه امامین انقلاب یعنی، امام خمینی رحمته‌الله علیه و مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه انجام شد. تشابهات زیادی از جمله شباهت شعارها، شاخص‌ها، اهداف و فرضیه‌های نسبت‌سنجی بین این دو تمدن مانند همسانی مطلق و همسانی غایت‌شناختی بر محور رابطه طولی و امتدادی که همان همسانی غایت‌شناختی است، بین این دو تمدن وجود دارد.

واژگان کلیدی: تمدن مهدوی، تمدن نوین اسلامی، امام خمینی رحمته‌الله علیه،

امام خامنه‌ای، شاخصه‌های تمدن مهدوی، مهدویت.

۱. مقدمه

تحقق تمدن نوین اسلام در قالب افق غایی امت اسلام و آرمان اسلامی حرکت تکاملی انقلاب اسلامی ایران و بستری مناسبی برای زمینه‌سازی ظهور و شکل‌گیری دولت جهانی حضرت مهدی سجده‌الله تعالی علیه در وهله نخست مبتنی بر درک روشن و فهم صحیح حقیقت تمدن، سازه‌های

۱. دانش‌پژوه کارشناسی فقه تربیتی، از کشور افغانستان، مدرسه عالی بنت‌المصطفی، جامعه‌المصطفی العالمیه، اصفهان، ایران.

۲. استاد همکار، سطح چهار فقه و اصول گرایش فقه خانواده، مدرسه عالی بنت‌المصطفی، جامعه‌المصطفی العالمیه، اصفهان، ایران.

تمدن نوین و عناصر تمدن ساز است. سؤال اینجاست که تمدن نوین اسلامی چیست، عناصر سازنده آن کدام است و چگونه تمدن مهدوی بر آن تأثیر کرده است. عبارت تمدن نوین اسلامی و نظریه تشکیل آن در قالب اهداف انقلاب اسلامی نخستین بار توسط مقام معظم رهبری علیه السلام در اواخر دهه هفتاد مطرح شد و ایشان در ادامه در اواخر دهه هشتاد فرایند تشکیل آن را مطرح کرد. معظم له به طور دقیق ابعاد تمدن نوین اسلامی و بایسته های وصول به آن را مطرح کرد. از منظر ایشان شروع و محور این مسیر انقلاب اسلامی در ایران است که با طی یک فرایند پنج مرحله ای (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه و امت اسلامی، تمدن نوین اسلامی) در نهایت به یک تمدن فراگیر اسلامی در جهان و به ویژه در جهان اسلامی منتهی شد. براساس آموزه های دین اسلام و تأکید معصومان علیهم السلام در آخر الزمان یک حکومت توحیدی توسط فرزندی از سلاله رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم با نام مهدی عجل الله تعالی فرجه و نوره برپا می شود که براساس داده نقلی، ویژگی های یک تمدن تمام عیار جهانی را دارد. پژوهش حاضر باروش تطبیقی ابتدا شعارها و فرضیه های این دو تمدن را بررسی و به دنبال آن، دیدگاه صاحب نظران انقلاب یعنی، امام خمینی رحمته الله علیه و رهبری علیه السلام در مورد مشابهت بین این دو را مطرح می کند. در آخر، داده های نقلی و روایی در امکان تأثیرگذاری تمدن مهدوی بر تمدن انقلاب اسلامی کار گرفته شده است و از تحلیل و تطبیق این داده، فرضیه های ارائه شده بررسی و نتیجه نهایی حاصل شده است.

۲. مفهوم شناسی

تمدن واژه ای عربی از ریشه مُدُن است. معنای متبادر این واژه، پذیرش مدنیت، شهرنشینی، خوگرفتن به آداب و اخلاق شهریان، پذیرش نظم و قانون و سایر شئون اجتماعی و همکاری افراد اجتماع با یکدیگر در امور مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... است. براساس نظر ویل دورانت تمدن به شکل کلی آن عبارت از: نظمی اجتماعی است که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود و جریان می یابد. در تمدن، چهار رکن و عنصر اساسی وجود دارد که عبارتند از: پیش بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی و سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر. ظهور تمدن هنگامی امکان پذیر است که هرج و مرج و

ناامنی پایان پذیرفته باشد. (ویل دورانت، ۱۳۶۵، ص ۱۳) شهید مطهری تمدن را به معنای پیشروی و ترقی در علوم، معارف، صنایع و نظامات تحلیل و تعریف می‌کند (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۳۵). باتوجه به این نکته باید گفت مفسران مباحث پیرامون تمدنی بشری را ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره مطرح می‌کنند: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفُوا فِيهِ وَمَا اختلف فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اختلفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (بقره: ۲۱۳).

مردم امتی یگانه بودند پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت و با آنان کتاب را به حق فروفرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند، داوری کند. خدای متعال برای تأمین تمدن واقعی انسان قانون کامل و همه‌سונگر، برای اصلاح و رشد بشریت فرستاده است. در کنار این قوانین آسمانی، مجریان الهی به نام پیامبران را نیز فرستاد تا هم در فهم و تفسیر قانون دچار اشکال نشوند و هم در مرحله اجرای آن، گرفتار هوا و هوس و طمع و تهدید نشوند. از دیدگاه قرآن، تمدن برپایه تدین و مذهب، تمدن واقعی و حقیقی است که در سایه آن تمام استعدادهای جسمانی و روحانی، مادی و معنوی افراد جامعه رشد و توسعه یافته و به کمال و سعادت می‌رسد. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۳۰-۱۱۵) بنابراین، تمدن درسه حوزه ارزش‌ها، پیشنهادها و رفتارها شکل می‌گیرد و عوامل شکل‌دهنده آن، دین و اخلاق، دولت و امنیت، هنر و هویت، همبستگی اجتماعی، علم و آموزش، عدالت، فقرزدایی اقتصادی و اراده قوی و خودباوری است. تمدن باید چهار نظام داشته باشد:

-نظام‌سازی سیاسی: بنیان یک‌نظام سیاسی و اجتماعی و تعیین الگوی تنظیم روابط میان افراد جامعه و نهادهای اساسی و راهبرد مطلوب برای حفظ سلامت و امنیت جامعه.

-نظام‌سازی فرهنگی: مجموعه عناصر فکری و فرهنگی با ارتباط معین که در تعادل پویا و اثربخش براساس راهبرد مطلوب سازمان یافته و زیر نظر مدیریت واحد راهبردی مثل الگوی اعتقادی، الگوی اخلاقی، الگوی آموزش، تولید فکر و گفتمان در برابر گفتمان رقیب است.

-نظام‌سازی اجتماعی: مجموعه‌ای از عناصر اجتماعی با روابط معین است که در تعادل پویا و اثربخش سازمان یافته با مدیریت واحد اداره شوند مثل خانواده و با آن، جمعیت، نیروی دانش، تخصص و کار تأمین می‌شود.

- نظام‌سازی اقتصادی: مجموعه‌ای از عناصر اقتصادی با روابط معین است که در تعادلی پویا و اثربخش براساس راهبردهای مطلوب اقتصادی سازمان می‌یابد.

۳. مهدویت

مهدویت مصدر جعلی مهدی و عبارت است از: اعتقاد به ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل حکومت عدل به دست آن حضرت. تمام مسائل مربوط به آن حضرت با این عنوان ارائه می‌شود. مهدویت، اعتقاد به پدید آمدن حکومت عدل همگانی توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. استفاده از واژه مهدی به معنای منجی و نجات بخش براساس احادیث نبوی است: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدَّرِّيِّ، وَاللُّونُ لَوْنُ عَرَبِيٍّ، وَالْجِسْمُ جِسْمُ إِسْرَائِيلِيٍّ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا، يَرْضَى بِخِلَافَتِهِ أَهْلَ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوْ يَمْلِكُ عَشْرِينَ سَنَةً؛ مهدی مردی از اولاد من است. رنگ بدن او رنگ نژاد عرب و اندامش مانند اندام بنی‌اسرائیل است. در گونه راست وی خالی است که چون ستاره تابناکی بدرخشد. زمین را پر از عدل کند چنان که پر از ظلم شده باشد. ساکنان زمین و آسمان و پرندگان هوا در خلافت وی خشنود خواهند بود. او بیست سال حکومت می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۱/۵۱).

۳-۱. مهدویت در قرآن

مسئله مهدویت به صراحت در قرآن نیامده است، اما در کتاب معجم احادیث امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محققین برخی آیات قرآن کریم را مرتبط به موضوع مهدویت دانسته‌اند. (کورانی، ۱۴۱۱، ۵/۸۱) مفسران شیعه دو دسته از آیات قرآن را برای مسئله مهدویت استفاده می‌کنند.

۳-۱-۱. آیاتی که بر ضرورت وجود امام تأکید دارد: در دیدگاه قرآن، خداوند برای هر امتی فردی را انتخاب کرده است تا آنها را هدایت کند: «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ؛ و برای هر جامعه راهنمایی

هست» (رعد: ۷). امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: «در هر زمانی امامی از خاندان ما وجود دارد که مردم را به آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده است، هدایت می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵/۲۳).

۱-۲. آیاتی که بشارت به حکومت صالحان و مؤمنان بر روی زمین می‌دهد، مانند سوره انبیا آیه ۱۰۵ و سوره قصص آیه ۵. در روایات زیادی این آیات را به مسئله ظهور و مهدویت نسبت داده‌اند. در آیه‌ای دیگر، خداوند حکومت و جانشینی مؤمنان و صالحان را وعده الهی بر بندگان مؤمن می‌داند و امنیت و آرامش را مژده می‌دهد (ر.ک.، نور: ۵۵). روایات صادر شده از امامان شیعه این آیه را بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصحاب او منطبق کرده‌اند (فرزی، ۱۳۸۵، ص ۳۴). در ویژگی‌های عصر غیبت، قرآن کریم درباره مقام و منزلت منتظران در عصر غیبت (ر.ک.، بقره: ۱-۳)، صبر و ارتباط قلبی (ر.ک.، آل عمران: ۲۰۰)، اطاعت محض (ر.ک.، نساء: ۵۹)، امتحانات بسیار دشوار آنها (ر.ک.، بقره: ۱۵۵)، شرایط سخت زندگی منتظران (ر.ک.، یوسف: ۱۱۰) و پاداش بر این دشواری‌ها را بیان می‌کند (ر.ک.، نساء: ۶۹). قرآن در آیه ۴۶ سوره ابراهیم به توطئه‌هایی اشاره می‌کند که به هدف تضعیف اعتقادات مردم انجام می‌شود. امام صادق علیه السلام در حدیثی این آیه را به تلاش دشمنان در عصر غیبت برای زائل کردن اعتقاد مردم به مسئله مهدویت تفسیر کرده است (عیاشی، ۱۳۸۰، ۲/۲۳۵). مسئله اختلاف مردم درباره اعتقاد به مهدویت (ر.ک.، شوری: ۱۸)، سرگردانی مردم در تشخیص حق (ر.ک.، یونس: ۵)، قساوت دل‌ها (ر.ک.، حدید: ۱۶) و انکار و تکذیب امام زمان در عصر غیبت (ر.ک.، فرقان: ۱۱) ثابت نمی‌ماند مگر کسی که یقینش قوی و معرفتش صحیح باشد و نسبت به اهل بیت علیهم السلام تسلیم باشد. این از موضوعاتی است که مفسران از شیعه به آیات مختلفی در قرآن کریم استناد می‌کنند.

نشانه‌های ظهور هم موضوعی است که مفسران به آن اشاره می‌کنند. کشتار بی سابقه مردم (ر.ک.، مریم: ۳)، کشته شدن کسانی که در حق پیامبر و عترت او مرتکب ظلمی شده‌اند (ر.ک.، اسرا: ۴-۶) و نزول عذاب در عصر غیبت به دلیل امتحان و عذاب گنهکاران و مؤاخذه آنها (ر.ک.، فصلت: ۱۶). روایات شیعه در موضوع مهدویت بسیار زیاد و گسترده است (دخیل، ۱۴۲۲،

ص ۶۶). راویان مختلف بیش از شش هزار حدیث درباره مهدویت روایت کرده‌اند. موضوعاتی که این روایات بررسی کرده‌اند شخصیت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۰/۵۱)، شخصیت منتظران وی (طبرسی، ۱۳۹۲، ص ۶۳)، ارزش و فضیلت انتظار فرج (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۴۶/۵۲)، نشانه‌های ظهور (الشیخ طبرسی، ۱۴۱۷، ۲۸۰/۲)، حوادث هنگام ظهور (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۰۲/۲) و جهان پس از ظهور (فیروزآبادی، ۱۴۲۴، ۴۱۱/۳) است.

۳-۲. تمدن مهدوی

موعودباوری به معنای اعتقاد به یک نجات بخش است که در آخرالزمان برای نجات و رهایی انسان‌ها و برقراری صلح و عدالت خواهد آمد. منجی موعود و نجات بخش در نزد اقوام و ملل مختلف با آیین‌ها و فرهنگ‌های متفاوت به اشکال و صور گوناگون و متنوعی مطرح شده است، اما جملگی در یک نکته اتفاق نظر دارند که نجات بخشی خواهد آمد و آنها را از یوغ بندگی ستمکاران و حاکمان زورگو رها کرده و جامعه‌ای پر از عدل و داد به وجود خواهد آورد.

۳-۳. شاخصه‌های تمدن مهدوی

در عصر ظهور علم به معنای واقعی و حقیقی در خدمت بشریت قرار خواهد گرفت. در منابع روایی از حضرت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد رشد و کمال عقول مردم و پیشرفت عقلی این چنین نقل شده است: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَوَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند دست محبتش را به سر بندگان می‌گذارد و عقول آنها را با آن به کمال می‌رساند و بلوغ فکری آنان رشد یافته و تکمیل می‌شود» (کلینی، ۱۳۶۳، ۲۵/۱). در روایت دیگری از امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده است که حضرت فرمود: «مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا أَوْأْنَا أَفْتَحُهُ، وَمَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا الْوَالِقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْتِمُهُ؛ هیچ علمی نیست جز آنکه من آن را می‌گشایم و هیچ رازی نیست جز اینکه قائم آن را به نهایتش می‌رساند» (احمدی میانجی، ۱۳۸۵، ۱۲۷/۲).

۳-۱. انقلاب شگرف فرهنگی و اخلاقی

فرهنگ و تمدن‌های مادی و لیبرال تنها به دنبال شکوفایی و اهداف حیات مادی بوده و مظاهر مادی و دنیوی برای آنها اهمیت دارد و دغدغه درجه یک آنها رسیدن به رفاه مادی است. این درحالی است که در فرهنگ و تمدن مهدوی رفاه واقعی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ رفاهی که به تمام ابعاد وجودی انسان پاسخ مثبت می‌دهد.

۳-۲. فرهنگ‌سازی جامع

بیشتر اقدامات حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف ماهیت فرهنگی و ارزشی دارد. محققان و مهدوی‌پژوهان بر این باورند در این برهه از تمدن نوین اسلامی جوامع انسانی به عمق زشتی و مفساد اخلاقی و رذایل اخلاقی پی می‌برند و همین علم و معرفت به باطن رذایل اخلاقی عامل بازدارنده از ناپاکی‌های اخلاقی در جامعه می‌شود به طوری که فضایل اخلاقی را در سطح گسترده‌ای در جهان نهادینه می‌کند. (سلیمیان، ۱۳۸۶، ۴/۱۴۶)

۳-۳. شکوفایی فطرت و سرشت انسانی

محققان چگونگی شکوفایی این قسم از علم و معارف فطری را در عصر ظهور چنین تبیین کرده‌اند: «اگر انسان تحت پرورش درست قرار گیرد و دچار اغواگری و شیطنت ابلیس نشود توانایی رشد و بالندگی روحی و معنوی فوق العاده‌ای پیدا خواهد کرد. این اصل مسلم و رکن پایدار اندیشه مهدویت و از سازوکارهای مهم پرورشی برای نجات انسان از اسارت مادیات و خواهش‌های نفسانی محض و رساندن او به اوج طهارت و قدسی بودن است». (سلیمیان، ۱۳۸۶، ۴/۱۴۷)

۳-۳-۴. ترویج و تثبیت ارزش‌های اخلاقی

فرهنگ و تمدن مهدوی اوج شکوفایی و تثبیت فضایل و مکارم اخلاقی است. براساس آیات قرآن کریم وارثان زمین انسان‌های پاک و صالح هستند: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ در زبور بعد از ذکر تورات نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد» (انبیاء: ۱۰۵) زمانی که ساکنان زمین را صالحان عالم دربرگیرند،

قاعدتاً این چنین دنیایی سرتاسر نیکی و فضایل اخلاقی خواهد بود، عدالت به معنای واقعی آن گسترش خواهد یافت و در این چنین جهانی کسی به دیگری ظلمی نخواهد کرد. امیرمؤمنان علیه السلام در یک مجلس چهارصد نکته به یارانش آموخت که به صلاح دین و دنیای مسلمان است، فرمود: «و اگر قائم ما قیام کند آسمان، بارانش را فرومی فرستد و زمین، گیاهش را بیرون می آورد و دشمنی از دل های بندگان می رود و درندگان و چارپایان با هم در صلح و صفایند تا آنجا که زن از عراق تا شام می رود و پایش را جز روی سبزه نمی نهد و زینتش بر سرش است و نه درنده ای او را می ترساند و نه او از آن می ترسد» (صدوق، ۱۳۷۷).

۳-۴. تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی به معنای پیشرفت همه جانبه است و دو بخش اصلی دارد.

۳-۴-۱. بخش ابزاری

بخش ابزاری عبارت از ارزش هایی است که امروز در قالب پیشرفت کشور مطرح می شود مانند علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. اینها همه بخش ابزاری تمدن است و وسیله است.

۳-۴-۲. بخش حقیقی

بخش حقیقی چیزهایی است که متن زندگی را تشکیل می دهد و همان سبک زندگی است. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است مانند مسئله خانواده، سیاست، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس و... اینها بخش های اصلی تمدن و متن زندگی انسان است.

۳-۵. عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی

۳-۵-۱. عوامل باطنی تمدن نوین اسلامی

اول) ایمان و مکتب

رفتار و حرکات انسان در اجتماع و روش زندگی او تابع تفسیر او از زندگی است. هدف زندگی، هدفی است که انسان برای زندگی معین می کند. به طور طبیعی متناسب با هر انسان یک روش

زندگی به او پیشنهاد می‌شود. نقطه اصلی در این روش و سبک زندگی ایمان است. ایمان به یک اصل. چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «جامعه بدون آرمان [مکتب و ایمان] ممکن است به ثروت و قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد تازه وارد مرحله حیوانیت می‌شود و یک حیوان سیر و قدرتمند می‌شود و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیشتر است. تمدن نوین اسلامی این را نمی‌خواهد» (بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

دوم) رهبری

از عوامل مهم برای تحقق تمدن نوین اسلامی، رهبری است. رهبری شجاع، فقیه، مؤمن و عادل. چه کسی مدیریت کلان یا سیاست را برعهده بگیرد. ایجاد دگرگونی نیاز به قهرمان و رهبر و توان بالای مدیریتی دارد. جامعه به رهبری اینارگر و برخوردار از نیروی فکری و توان روحی که توانایی تسلط بر جامعه‌ای که می‌خواهد آن را دگرگون کند از نظر معنوی نیازی اساسی دارد. این موضوعی بسیار واضح است و در طول تاریخ، جوامع از این امر مستثنی نبوده‌اند. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «لازم است یک رهبری، یک فرماندهی، یک قدرت متمرکزی در جامعه اسلامی وجود داشته باشد که این قدرت بداند از شما چه برمی‌آید، از من چه برمی‌آید، از انسان‌های دیگر چه برمی‌آید» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۳۰).

سوم) شرایط و مقتضیات

مقتضیات و شرایط، مربوط به فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَهُ مَعَقَبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِّنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ» (رعد: ۱۱). امکانات و توانایی‌ها نیز به خواست و اراده مردمی ارتباط دارد. به طور کلی، پیروزی هر فعالیت اجتماعی به یک سلسله شرایط و موقعیت‌های عینی و خارجی بستگی دارد. بنابراین، نمی‌توان تحقق تمدن را به عواملی مانند مشیت الهی یا تصادف، بخت و اقبال و... نسبت داد؛ زیرا اینها برخلاف سنت‌های الهی و نافی اراده انسان است، البته اگر مشیت پروردگار تعلق بگیرد، می‌تواند

فضای مناسب و آمادگی اجتماعی را هم به طور اعجاز‌آمیزی خلق کند. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «حکومت اسلامی و تمدن نوین اسلامی بهترین وسیله برای دخالت مردم در اداره امور است. در حکومت اسلامی، حرکت اصلی به دوش مردم و تابع اختیار آنهاست» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۶۸).

۳-۵-۲. عوامل ظاهری

تمدن نوین اسلامی با سه محور استوار می‌شود که عبارت است از: محور اول، فصل مشترک بین کارگزاران و مردم است که عبارت مدارا، وفق و سازش برای آن انتخاب خوبی است؛ یعنی مسئولان نسبت به مردم و مردم نسبت به مسئولان نظام اسلامی، روحیه مداراگونه داشته باشند. محور دوم، وظیفه مسئولان نظام اسلامی است که عدالت است و باید نسبت به مردم رعایت کنند. محور سوم، وظیفه مردم است که با سنت‌های غلط و خرافی مبارزه سرسختانه کنند.

عدالت‌محوری، ایمان عمیق قلبی و عملی به اصل عدالت و گام سپردن در شاهراه دادگری در میدان‌های گوناگون زندگی از اساسی‌ترین علل رشد و تکامل جوامع و پیدایش و شکوفایی تمدن‌هاست. به همین دلیل، قرآن موضوع حیاتی عدالت و دادگری را طرح کرده و برای تحقق همه جانبه و حقیقی آن در زندگی جوامع، تمدن‌ها و نظام‌ها، سخت تلاش می‌کند و در مورد ظلم و ستم، انحراف، انحصار، استبداد، فتنه، تباهی و دین‌گریزی سخت هشدار می‌دهد.

مبارزه با سنت‌های غلط اجتماعی و فرهنگ حاکم بر جامعه که از جمله این سنت‌ها که در قرآن با آن و امثال آن مبارزه شد حمی و استثنا بوده که به نفع جمعی و به ضرر گروهی دیگر از مردم است. این سنت که در زمان جاهلیت مرسوم و متداول بود بسیاری از امتیازات را به طبقه ثروتمند جامعه در آن زمان می‌داد و دیگران از حقوق اقتصادی، مالی و... خود محروم می‌ماندند. از این رو، گفته می‌شود که این سنت‌های غلط اجتماعی، مانعی برای عدم تأمین رفاه مطلوب است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «در مقابل استثنا در جامعه انقلابی ما، کلمه انحصارطلبی را فرهنگ امروزی می‌توان گذاشت و اگر بخواهیم معنا کنیم استثنا را و بشکافیم نقطه مقابل ایثار است. ایثار یعنی، دیگران را بر خود ترجیح دادن. استثنا یعنی،

خود را بر دیگران ترجیح دادن. این ترجیح دادن خود، این انحصارطلبی به‌طور عام در بیشتر ما یا همه وجود دارد. منتهی اسلام و ادیان الهی با تربیت‌هایی که می‌کنند به انسان تعلیم می‌دهند که این صفت را در خود سرکوب کند و تسلیم میل طبیعی خود به منحصر کردن همه خوبی‌ها برای خود و در انحصار گرفتن لذت‌ها و کام‌جویی‌ها به این میل طبیعی نشود» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۱۳۵).

۳-۶. مؤلفه‌ها و شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی

۳-۶-۱. نگرش توحیدی

عنصر وحدت‌بخش توحید با القای نگرش «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶) جامعه اسلامی را هدایت می‌کند و همه اقوام و ملل مختلف را زیر لوای وحدانیت گرد می‌آورد و پیوند عمیقی میان آنها ایجاد می‌کند. انسان پلی میان ملک و ملکوت و واسطه و ابزاری است که مشیت خداوند با آن در این جهان تحقق و تبلور می‌یابد. ولایت به‌معنای یک‌نظام ارزشی است که همراه با محبت و عاطفه نسبت به آحاد مردم است و تنها فرمانروایی و حکمرانی تلقی نمی‌شود. (بیانات، ۱۳۶۵) ولایت به‌معنای حاکمیت و سرپرستی دیگران است به این دلیل همه انسان‌ها در خلقت برابر هستند. اصل این است که کسی بر دیگری حق فرمانروایی ندارد و هیچ‌کس بالذات، حق تصرف در نفوس و اموال دیگران را ندارد. مقام معظم رهبری در این مورد می‌فرماید: «در اسلام سرپرستی جامعه متعلق به خدای متعال است. هیچ انسانی این حق را ندارد که اداره امور انسان‌های دیگر را برعهده بگیرد. این حق مخصوص خدای متعال است که خالق و منشأ و عالم به مصالح و مالک امور انسان‌ها بلکه، مالک امور همه ذرات عالم وجود است. خدای متعال این ولایت و حاکمیت را از مجاری خاص اعمال می‌کند. در این جامعه باید از هر نوع طاغوتی اجتناب کرد» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۱۴۵).

۳-۶-۲. کرامت انسانی

یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های تمدن اسلامی حفظ کرامت انسانی است. دلیل این مدعا سخن خداوند متعال در قرآن کریم است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰). این آیه بدین معناست که: کرامت، شرافت و بزرگواری را در سرشت او قرار دادیم و کرامت و عزت جزئی از سرشت انسان است. بنابراین، کرامت نزهت از پستی و فرومایگی است. پیامبر ﷺ فرمود: «ان الله تعالی کریم یحب الکریم؛ همانا خدای متعال، کریم است و کرامت را دوست دارد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ۵۱۴/۱۱). امام خمینی رحمته‌الله‌علیه تأکید دارد که اسلام به انسانیت انسان ارج می‌گذارد. ایشان با اشاره به عدم تفاوت زن و مرد در کرامت می‌گویند زن‌ها نیز مقام کرامت دارند و همه آنها صاحب اختیار هستند همان‌طور که مردها اختیار دارند. خداوند همه انسان‌ها را بدون درنظر گرفتن جنسیت با کرامت و آزاد خلق کرده است (امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، ۱۳۸۹، ۴۶۸/۶).

۳-۶-۳. عدالت‌گستری

امام علی علیه‌السلام در تعریف عدالت می‌فرماید: «عدالت یعنی، هر چیز در سرجای خود قرار بگیرد». در جای دیگر می‌فرماید: «عدل، رعایت کردن استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه که امکان وجود دارد، است» و «من صاحب الناس بالذی یحب ان یصاحبوه کان عدال؛ هرکه با مردم چنان رفتار کند که دوست دارد آنان با او رفتار کنند عادل است». (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ۳۵۰/۷)

۳-۶-۴. آزادی

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «بنده دیگری نباش که خداوند تو را آزاد آفریده است». (شریف رضی، ۱۳۸۶، نامه ۳۱) از دیدگاه اسلام آزادی و دموکراسی براساس آن چیزی است که تکامل انسان ایجاد می‌کند؛ یعنی آزادی ناشی از میل افراد و تمایلات آنها و دموکراسی در اسلام یعنی، انسانیت رها شده، حال آنکه این واژه در قاموس غرب یعنی، حیوانیت رها شده (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۱۰۳). آزادی راه و روشی برای رسیدن به مقصد است؛ زیرا هدف انسان این نیست که آزاد

باشد، ولی انسان باید آزاد باشد تا به کمالات خود برسد (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۳۴۷). امام خمینی رحمته الله علیه آزادی را یکی از نعمت‌های الهی می‌داند. ایشان همواره آزادی را مربوط به فطرت انسان و یکی از علل انحطاط مسلمین را در برخی از اعصار، نبودن آزادی می‌داند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ۸/۱۲۰).

۳-۶-۵. توجه به علم و معرفت

شاخص دیگر تمدن اسلامی توجه بنیادین به علم و دانش است. این اهمیت با نخستین آیاتی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده مبرهن می‌شود. یکی از معیارهای برتری در جامعه اسلامی علم و معرفت است؛ زیرا خداوند در قرآن کریم در کنار تقوا، جهاد و ایمان صاحبان علم را رفعت درجه داده است و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله: ۱۱). با توجه به نگاه دین به علم مشخص می‌شود که دین برترین جایگاه را به علم و معرفت اختصاص داده است. در تمدن نوین اسلامی، تحصیل علم عبادت است؛ مقام معظم رهبری درباره اهمیت علم می‌فرماید: «یک ملت با اقتدار علمی است که می‌تواند سخن خود را به گوش همه افراد دنیا برساند. با اقتدار علمی است که می‌تواند سیاست برتر و دست‌والا را در دنیای سیاسی حائز شود. جمله‌ای در نهج البلاغه هست که خیلی جمله پرمغزی است. می‌فرماید: "العلم سلطان؛ علم اقتدار است." سلطان یعنی، اقتدار، قدرت. "العلم سلطان من وجده صال و من لم يجده صيل عليه". علم اقتدار است. هرکس این قدرت را به چنگ آورد، می‌تواند تحکم کند، می‌تواند غلبه پیدا کند. هرکسی که این اقتدار را به دست نیاورد دیگران بر او قهر و غلبه پیدا می‌کنند به او تحکم می‌کنند» (بیانات، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲).

۳-۶-۶. دشمن‌ستیزی و استقلال‌طلبی

یکی دیگر از شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی دشمن‌ستیزی و استقلال‌طلبی است. امام خمینی رحمته الله علیه و رهبر معظم انقلاب از رهبران دینی هستند که با تکیه بر آموزه‌های اسلامی سعی در احیای مقاومت در برابر استکبار داشته و استبداد را درک، برنامه‌ریزی و اجرا کرده‌اند. امام

خمینی رحمته الله علیه ادبیات پایداری اسلام را در مقابل استبداد داخلی و خارجی که به فراموشی سپرده شده بود، احیا کرد. مقام معظم رهبری علیه السلام در تعریف استقامت می فرماید: «استقامت یعنی، راه را گم نکردن، فریب جلوه‌های مادی را نخوردن، اسیر هوای نفس نشدن، دستورها و فرایض اخلاقی و معنوی و آداب اسلامی را رها نکردن و به لذت‌طلبی و عشرت‌طلبی رویاوردن. اینها اساس کار است» (بیانات، ۹۱/۱۰/۱۹). بنابراین، با استقامت و مقاومت است که پرچم تمدن اسلامی برافراشته می‌شود و عدالت، کرامت انسانی، آزادی، عزت و غرور به معنای واقعی کلمه محقق می‌شود و این وعده الهی است.

امام خمینی رحمته الله علیه می فرماید: «بزرگان اسلام ما در راه حفظ اسلام و احکام قرآن کریم کشته شدند، زندان رفتند، فداکاری‌ها کردند تا نتوانستند اسلام را تا به امروز حفظ کنند و به دست ما برسانند. امروز وظیفه ماست که در برابر خطراتی که متوجه اسلام و مسلمین است برای تحمل هرگونه ناملازمات آماده باشیم تا بتوانیم دست خائنین به اسلام را قطع کنیم و جلو اغرات و مطامع آنها را بگیریم». (امام خمینی، ۱۳۸۹، ۱۲۸/۱۰)

۳-۶-۷. عزت

از خصوصیات که اسلام برای یک جامعه پویا و سرافراز ترسیم کرده عزت ملی است. قرآن کریم در آیه هشتم سوره منافقون، عزت را از آن خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان می‌داند و می‌فرماید: «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ». عزت ملی یعنی اینکه در خود و از خود احساس حقارت نکند. نقطه مقابل احساس عزت، احساس حقارت است. یک ملت وقتی به درون خود، به سرمایه‌های خود، به تاریخ خود، به موارث خود، به موجودیت انسانی و فکری خود نگاه می‌کند احساس غرور کند، احساس حقارت و ذلت نکند. این یکی از چیزهایی است که برای یک ملت ضروری است (بیانات، ۱۳۸۸/۲/۲۲)، البته باید توجه داشت که عزت امری فطری است و عزت حقیقی از آن خداست.

۳-۶-۸. سبک زندگی

مقام معظم رهبری عجل الله تعالی فرجه الشریف با اشاره به پیشرفت های کشور در عرصه های مختلف، بخش اصلی و نرم افزاری پیشرفت را معطوف به موضوع سبک زندگی کرده و فرمود: «اصل قضیه درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است». (بیانات، ۹۱/۷/۲۴)

۴. فرضیه ها در نسبت بین تمدن نوین اسلامی و تمدن مهدوی

۴-۱. همسانی مطلق

تمدن نوین اسلامی همان تمدن مهدوی است. با رسیدن به تمدن نوین اسلامی، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق می شود و این دو در اصل یکی است و تمدن حقیقی اسلام همان تمدن عصر ظهور است.

۴-۲. همسانی غایت شناختی

فرضیه دیگر آنکه رابطه بین این دو رابطه طولی است. این فرایند تمدن نوین اسلامی که توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح شده مقدمه شکل گیری تمدن مهدوی است و نقش تمهیدی برای تمدن مهدوی دارد. نکته دیگر آنکه براساس این نظر، این رابطه طولی و مقدماتی، رابطه ای امتدادی است؛ یعنی این تمدن نوین، بدون واسطه و انقطاع به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتهی شده و به تمدن مهدوی متصل می شود و تمدن مهدوی مکمل تمدن نوین اسلامی است. از این رو، غایت هر دو تمدن یکی خواهد بود. از منظر مقام معظم رهبری فرایند تمدن نوین اسلامی ادامه مسیر انقلاب است. تمدن نوین اسلامی هدف نهایی انقلاب است. (بیانات مقام معظم رهبری عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲۳/۷/۱۳۹۱)

۵. بررسی رابطه انقلاب اسلامی با مهدویت

پس از انقلاب اسلامی از شیوه های طرح و تقویت نظام مهدوی ایجاد پیوند میان انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ با انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. انقلابی که در چهارچوب مهدویت رخ می دهد نباید دورکننده ظهور باشد که در این صورت در تضاد با دیگر مفاهیم مهدوی قرار می گیرد.

این حکومت باید نزدیک کننده و زمینه ساز ظهور باشد تا از این راه با دیگر باورها و رسالت های منتظران عصر غیبت انسجام یابد؛ زیرا از این راه، مشروعیت دینی و فلسفه وجودی خود را نیز تقویت می کند. (پرهیزکار، ۱۳۹۳، ص ۱۶۸) برای فهم این رابطه توجه به شاخص های هردو تمدن و استخراج دیدگاه های امامین انقلاب و استناد به داده های روایی کمک شایانی می کند.

۵-۱. شباهت شعارها، شاخص ها و اهداف

انقلاب اسلامی با شعارهایی مانند تشکیل حکومت دینی و حاکمیت اسلام، بازگشت معنویت، حمایت از مستضعفان و دفاع از مظلومان عالم، عدالت و رفع محرومیت، ظلم ستیزی و مقابله با مستکبران در هر جای عالم پدیدار شد و به پیروزی رسید. این انقلاب پیوسته در تلاش برای تحقق اهداف و شعارهای در حرکت است و در همه آنها روند روبه رشدی داشت هرچند در برخی حرکت کندتر و در برخی پیشروتر بود، اما در یک نگاه کلی حرکت انقلاب در زمینه پایبندی و عمل به شعارهای خود حرکتی روبه جلو است. از این رو، این شعارها بیانگر شاخص های انقلاب اسلامی هستند؛ زیرا نشان دهنده و متمایزکننده آن با سایر قیام ها و انقلاب ها هستند. (مقام معظم رهبری علیه السلام، ۱۴/۱۷/۱۳۹۰)

این شباهت ها، نزدیکی شعارها و اهداف، پیشروان، صاحب نظران و دوستداران این انقلاب را بدان واداشت که ارتباط تنگاتنگی بین انقلاب اسلام و نهضت حضرت مهدی علیه السلام وجود دارد. مقام معظم رهبری علیه السلام در زمینه نزدیکی شعارها می فرماید: «شعارهایی که امام زمان علیه السلام بر سر دست خواهد گرفت و عمل خواهد کرد امروز شعارهای مردم ماست، شعارهای یک کشور و یک دولت است» (مقام معظم رهبری علیه السلام، ۲۲/۸/۱۳۷۹). ایشان پیام و شعار انقلاب اسلامی را همان پیام انقلاب مهدوی می داند (مقام معظم رهبری علیه السلام، ۱۷/۱۰/۱۳۷۱) «و این شعارها یک روز تحقق پیدا خواهد کرد. آن روز، روز ظهور امام زمان علیه السلام است» (مقام معظم رهبری علیه السلام، ۲/۸/۱۳۷۹).

۵-۲. دیدگاه امامین انقلاب درباره رابطه انقلاب اسلامی با مهدویت

توجه به نگاه آینده‌نگرانه امام خمینی رحمته‌الله و پیش‌بینی‌ها مبتنی بر نگاه توحیدی و عارفانه ایشان درباره آینده انقلاب بسیار مهم و کارگشاست. از این رهگذر می‌توان تاحدی به کشف و استنباط نسبت بین انقلاب اسلامی و تمدن مهدوی دست‌یافت.

۵-۲-۱. نظر امام خمینی رحمته‌الله درباره رابطه انقلاب اسلامی با مهدویت

در بیانات و مکتوبات امام خمینی رحمته‌الله بارها و بارها و به‌طور مکرر چه به‌طور کنایه و چه تصریحی به وجود نسبت و رابطه بین انقلاب اسلامی و ظهور و قیام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و‌رحمته‌الشریف اشاره شده است. ازمنظر امام خمینی رحمته‌الله اجتماع قلوب مردم و پیروزی انقلاب اسلامی عنایت ویژه الهی است که یکی از علائم ظهور بقیه‌الله عجل‌الله‌تعالی‌و‌رحمته‌الشریف است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۱۳۷/۱۶) نکته دیگر آنکه علاوه بر پیش‌بینی‌های امام خمینی رحمته‌الله در مورد آینده‌ساز دانستن انقلاب اسلامی برای ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و‌رحمته‌الشریف برنامه عملی امام خمینی رحمته‌الله در حکومت اسلامی، آینده‌سازی و ساختن آینده برای ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و‌رحمته‌الشریف است. ایشان پیوسته توصیه می‌کرد «وظیفه ما این است که باید مقدمات ظهور را فراهم کنیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۱۱۷/۱۶). ازمنظر امام خمینی رحمته‌الله این موضوع یک تکلیف است که به‌ویژه با ایجاد انقلاب اسلامی ضرورت یافته است. در تفکر ایشان مسئولی که توجهی به آینده‌سازی برای ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و‌رحمته‌الشریف ندارد، خائن است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۱۰۷). پس در نظریه امام خمینی رحمته‌الله هم این انقلاب، آینده‌ساز تمدن مهدوی است و هم به لزوم مقدمه‌سازی و ساختن آینده برای ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌و‌رحمته‌الشریف تأکید دارد.

۵-۲-۲. نظر مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای قده‌سبحانه‌و‌آله‌ا‌طهار درباره رابطه انقلاب اسلامی با مهدویت

شعارهای انقلاب همان شعارهای امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌و‌رحمته‌الشریف است. از این رو، ازمنظر ایشان مشابهت‌هایی بین انقلاب اسلامی و انقلاب مهدوی وجود دارد. در بحث ارتباط باید گفت که مقام معظم رهبری شکل‌گیری تمدن مهدوی را وعده حتمی خداوند به بشریت می‌داند. ایشان وقوع انقلاب اسلامی را علامتی بر تحقق این وعده می‌داند و در فرازی از بیاناتش در این باره می‌فرماید: «نشانه این وعده

تخلف ناپذیر در اولین و مهمترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوازه نظام اسلامی بود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۹/۱۷). ازمنظر ایشان، غایت و هدف نهایی انقلاب اسلامی همان تشکیل تمدن مهدوی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۵۹/۴/۶). در دیدگاه ایشان انقلاب اسلامی مقدمه و گام بزرگی برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب به صراحت می‌فرماید: «هدف از انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی همان آمادگی برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). همچنین در بیانات ایشان به‌طور مکرر زمینه‌سازی برای ظهور از وظایف است. ایشان در این باره نیز می‌فرماید: «شما باید زمینه را آماده کنی تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده اقدام فرماید. از صفر که نمی‌شود شروع کرد. جامعه می‌تواند پذیرای مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد که در آن آمادگی و قابلیت داشته باشد و الا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می‌شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۲/۱۰).

۶. نتیجه‌گیری

براساس سنجش شعارها، شاخص‌ها و اهداف، شباهت‌های بسیاری بین تمدن مهدوی و انقلاب اسلامی وجود دارد. بسیاری از شعارهای زمان حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان شعارهای انقلاب اسلامی است که مشابهت‌های بسیاری با هم دارد. براساس دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری علیه السلام، زمینه‌ساز ظهور حق در گستره گیتی و حاکمیت الگوی توحیدی، امت و امامت معصوم است. تلاش در تمام حوزه‌های مطرح این بحث زمینه‌سازی برای ظهور حضرت است. با بررسی شعارها و شاخص‌ها، اهداف دیدگاه‌ها و نظریه رهبران انقلاب اسلامی و فرضیه همسانی غایت‌شناختی و وجود ارتباط طولی و امتدادی غیرمنقطع بین انقلاب اسلامی و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قوت می‌گیرد و امکان قطعی بودن آن تقویت می‌شود. باتوجه به این جمع‌بندی در تحلیل‌های فرضیه‌ها می‌توان گفت که فرضیه وجود رابطه طولی و امتدادی بین این دو تمدن، نسبت به سایر فرضیه‌ها قوی‌تر است و دلالت‌ها و شواهد، اثبات آن را تقویت می‌کند؛ یعنی آن تمدن نوینی اسلامی در انتها به تمدن مهدوی ختم شده و اکمال تمدن نوین اسلامی همان تمدن مهدوی است. پس انقلاب اسلامی ایران مقدمه ظهور حضرت ولی‌الله اعظم

است و به فضل الهی این انقلاب ادامه پیدا خواهد کرد تا به دست مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف برسد و تمدن باشکوه مهدوی را برپا کند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۸). مکارم شیرازی، ناصر. قم: نشر مطالعات اسلامی.
- * نهج البلاغه (۱۳۸۶). شریف رضی. مترجم: انصاریان، حسین. تهران: پیام آزادی.
۱. احمدی میانجی، علی (۱۳۸۵). مکاتیب الائمه علیهم السلام قم: مؤسسه دارالحدیث.
۲. پرهیزکار، غلامرضا (۱۳۹۳). انقلاب اسلامی و رشد مهدویت در ایران. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۳. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۹). صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۴. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۵. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱). بیانات معظم له در محفل انس با قرآن. پایگاه اطلاع رسانی مقام رهبری به آدرس www.leader.ir.
۶. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱/۷/۲۳). بیانات رهبری معظم انقلاب در جمع دانشجویان، دانش آموزان و سایر جوانان خراسان شمالی. پایگاه اطلاع رسانی مقام رهبری به آدرس www.leader.ir.
۷. دورانت، ویل (۱۳۶۵). تاریخ تمدن (مشرق زمین: گاهواره تمدن). مترجم: آرام، احمد. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۸. دخیل، علی محمد علی (۱۴۲۲). الامام المهدی. قم: دارالمرتضی.
۹. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۶). درس نامه مهدویت. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۰. العیاشی سمرقندی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر عیاشی. محقق: رسولی محلاتی، سید هاشم. تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.
۱۱. فرزی خراسانی، محمد علی (۱۳۸۵). امید سبز. تهران: دارالحسینین.
۱۲. فیروزآبادی، سید مرتضی (۱۴۲۴). فضائل الخمسه من الصحاح الستة. بیروت: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۳. کاشفی، محمدرضا (۱۳۸۴). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۴. کرمی فریدونی، علی (۱۳۸۵). ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن. قم: انتشارات نسیم انتظار.
۱۵. الکورانی العاملی، علی (۱۴۱۱). معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. قم: مؤسسه معارف الاسلامیه.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۷). خصال. تهران: انتشارات کتابچی.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۹. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۹۲). مشکاه الانوار فی غرر الاخبار. تهران: دارالثقلین.
۲۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ. تهران: انتشارات صدرا.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
۲۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹). میزان الحکمه. تهران: انتشارات دارالحدیث.
۲۴. وبسایت مقام معظم رهبری به آدرس: www.khamenei.ir